

بررسی امکان تطبیق عنوان محاربه بر انتقال گسترده ویروس

عامل ایدز

سیدرضا احسانپور^۱

چکیده

بیماری ایدز یکی از امراض شایع قرن ماست. خوشبختانه شیوه محدود انتقال آن سبب شده است که بتوان با اتخاذ روش‌های پیشگیرانه آن را کنترل نمود. از اینرو انتقال ویروس عامل ایدز به دیگران نیز جرم به شمار می‌آید. سؤال این است که آیا میتوان انتقال وسیع ایدز در جامعه را مصداق محاربه و افساد فی الارض به شمار آورد؟ ظاهر ادله، موید این برداشت نیست؛ چه آنکه غالب فقها شرط تجرید السلاح را برای تحقق محاربه الزامی می‌دانند. با این وجود، به عقیده ما می‌توان با ارایه تفسیری جدید از آیه محاربه و بررسی منطقی و گام به گام آرای فقها به نظر مخالف با مشهور فقها نیز رسید.

واژگان کلیدی

ایدز؛ انتقال؛ محاربه؛ افساد فی الارض

۱. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و

پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه شهید بهشتی

بررسی امکان تطبیق عنوان محاربه بر انتقال گسترده ویروس عامل ایدز

۱. (طرح مسأله)

۱.۱. اصطلاح «ایدز»، مأخوذ از حروف نخست (Acquired Immunodeficiency Syndrome) به معنای بیماری اختلال و ضعف در سیستم ایمنی بدن بوده و مرحله آخر عفونت HIV به شمار می‌آید. نخستین بار این بیماری در ۱۹۸۱ م.، در آمریکا مورد شناسایی قرار گرفت، اما این احتمال نیز وجود دارد که قبل از این زمان نیز بیماری مزبور در سایر نقاط جهان وجود داشته است. دانشمندان در سال ۱۹۸۴ م.، یعنی سه سال بعد، کشف کردند که عامل بیماری ایدز، ابتلا به HIV می‌باشد. HIV مخفف کلمات «Human Immunodeficiency Virus» به معنای ویروس ضعف سیستم ایمنی بدن می‌باشد. در واقع ابتلا به HIV سبب تضعیف تدریجی سیستم ایمنی بدن می‌گردد. سلول‌های ایمنی بدن موسوم به CD4+T، در مواجهه با HIV، زمین‌گیر و یا کشته می‌شوند. این سلول‌ها نقش مهمی را در واکنش‌های ایمنی بدن، برعهده داشته و در اجرای هرچه بهتر وظایف سایر سلول‌های دستگاه ایمنی، نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در حقیقت، کاهش این نوع سلول‌ها در بدن شخص مبتلا به HIV، مبین احتمال زیاد ابتلای چنین شخصی به ایدز در آینده نزدیک است.

طبق تعریفی که مرکز کنترل بیماری‌ها در آمریکا از ایدز به عمل آورده است، این بیماری به معنای وجود سلول‌های مزبور به میزان کمتر از ۲۰۰ واحد در هر میلیمتر مکعب از خون مبتلا به HIV می‌باشد. (در حالت طبیعی و در بدن شخص سالم، تعداد این سلول‌ها، ۱۰۰۰ عدد در هر میلیمتر مکعب است.) در مبتلایان به ایدز، عفونت، بسیار شدید و گاه مهلک است؛ زیرا سیستم دفاعی بدن، در مقابل HIV ناتوان شده و دیگر توان مقابله با ویروس‌ها، باکتری‌ها، انگل‌ها و سایر

میکروب‌ها را نخواهد داشت. (مرکز تحقیقات پایگاه جهانی ایدز در آمریکا: www.advert.com)

۱.۲. ایدز، اگرچه در نخستین ظهور خود، نشانه خشم خداوند بر گروه همجنس‌بازان تصور شده و مبتلایان به آن نیز سزاوار چنین مجازاتی به شمار می‌آمدند (گیدنز، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۰۸) لکن آرام آرام، با روند رو به رشد و گسترش تدریجی آن به خارج از خاستگاه نخستین، به مقوله‌ای جهانی و مبتلایان نیز به قربانیانی نگون بخت تبدیل شدند. در تکاپوی جهانی به منظور کنترل این بیماری - که به درستی بیماری قرن لقب گرفته است - (گودرزی، نشریه صف، ش ۲۳۷) نقش و کارکرد رشته حقوق - به خصوص حقوق کیفری - در خور اعتنا و توجه بوده و نسبت به سایر رشته‌ها نیز ممتاز می‌نماید. شیوع بالا، مرگ و میر زیاد، عدم درمان‌پذیری و امکان پیشگیری، اهتمام هرچه بیشتر سیاست‌های کیفری را در جلوگیری از گسترش آن توجیه می‌نماید. فارغ از تلاش‌های وسیعی که در کشورهای اروپایی در این راستا به عمل آمده، متأسفانه در کشور ما هیچ‌گونه تحرکی در این زمینه به چشم نمی‌آید.

۲. محاربه و افساد فی الارض

شاید نتوان انتقال عفونت HIV را در حالت عادی مصداق عمل «محاربه» یا «افساد فی الارض» به شمار آورد، اما فرضیه‌ای که ما در ذهن داریم، مربوط به جایی است که فرد یا گروهی، با شیوع و پخش وسیع آلات و ادوات آلوده به ایدز در سطح جامعه، سعی در فلج‌نمودن و ابتلای مملکت بدین بیماری مهلک داشته و هدفی چون اخلال در امنیت عمومی و جامعه اسلامی را در سر می‌پروراند. چنین اعمالی که ممکن است با انگیزه تضعیف حکومت اسلامی و درگیرنمودن

آن با مشکلات فراوان متعاقبه یا به هوای سودآوری و تجارت صورت پذیرد، می‌تواند از طرق مختلفی همچون توزیع سرنگ‌ها یا سوزن‌های آلوده، رواج مواد آرایشی مبتلا به عفونت یا وارد نمودن خون‌های آلوده به ایدز به داخل کشور انجام پذیرد. در چنین مواردی است که این سؤال در ذهن مطرح می‌شود که آیا می‌توان چنین افرادی را از باب «محارب» و یا «مفسد فی الارض» به عقوبت و مجازات رساند یا خیر؟

در قانون مجازات اسلامی، باب هفتم از کتاب حدود، تحت عنوان «محاربه و افساد فی الارض» مطرح شده است. ماده ۱۸۳ ق.م.ا متذکر می‌گردد: «هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم، دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می‌باشد.»

۱. ۲. تحلیل فقهی: فقها عمده مباحث خود را در این رابطه ذیل آیه شریفه «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا...» (مائده/ ۳۳) مطرح نموده‌اند.

«محاربه» بر وزن مفاعله و از ریشه «حرب» به معنای نبرد و نزاع است و معنای اصطلاحی آن نیز بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست. این اصطلاح تقریباً در میان فقها، دارای مفهوم معینی است. شهید در کتاب لمعه می‌فرماید: «محاربه، عبارت است از: کشیدن سلاح در خشکی یا دریا، در شب یا روز، در شهر یا خارج از شهر، توسط زن یا مرد، به منظور ترساندن مردم. خواه کشیدن سلاح توسط فردی ضعیف باشد و یا قوی» (شهید اول، ۱۴۱۱ ق.، ج ۳، ص ۲۴۴) بنا به زعم فقهای معظم، عنوان «محاربه» در جایی صادق است که عمل فرد سبب اخلال در امنیت حکومت اسلامی و از بین رفتن نظم عمومی گردد. علامه جلیل‌القدر «سیدمحمدحسین طباطبایی» در تفسیر ارزشمند خود «المیزان»، به هنگام بحث ذیل آیه ۳۳ سوره

مائده، در این رابطه می‌فرماید: «...مراد از محاربه و افساد به طوری که از ظاهر آیه بر می‌آید، اخلال به امنیت عمومی است و قهرا شامل آن چاقو کشی نمی‌شود که بر روی فرد معینی چاقو کشیده است و او را به تنهایی تهدید می‌نماید؛ زیرا امنیت عمومی وقتی خلل می‌پذیرد که خوف عمومی و ناامنی، جای امنیت را بگیرد.» (طباطبایی، ۱۳۶۳ ش، ج ۵، ص ۵۳۱) بر همین اساس «آیت... منتظری» در تعریفی جامع‌تر از «محاربه» آن را عملی می‌داند که سبب ترساندن مردم و برهم‌زدن نظم اجتماعی یا ترور اشخاص یا غارت دارایی مردم باشد. (منتظری، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۲۵)

پس در مجموع می‌توان گفت که محارب کسی است که به نحوی از انحاء، به ستیز با حکومت اسلامی و ایجاد اختلال در امنیت جامعه پرداخته است.

نکته بسیار مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به قید «شهر السلاح» یا «تجرید السلاح» در تعریف اغلب فقها از «محاربه» می‌باشد. به عبارت دیگر آن گونه که از عبارات مشهور فقها استفاده می‌شود، «کشیدن سلاح» یکی از شروط لاینفک «محاربه» به شمار می‌آید، به نحوی که با فقدان این شرط، عنوان «محاربه» نیز دیگر صدق نخواهد نمود. با این وجود، در میان فقها در این که اسلحه چیست و به چه چیزی اسلحه گفته می‌شود، اختلاف وجود دارد. در مجموع می‌توان در این رابطه قائل به سه قول شد.

۱. برخی سلاح را منحصر در سلاح آهنین، همچون چاقو و شمشیر می‌دانند. شیخ جعفر کاشف الغطا در همین رابطه ذیل عنوان محارب می‌آورد^۲ «محارب اسم فاعل است و او کسی است که برای ترساندن مردم و از روی ظلم و بلا حق شمشیر کشیده یا تیر یا نیزه یا سایر ابزارهای از جنس آهن را تظاهر می‌نماید.» (کاشف الغطاء، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۹) در میان فقهای عامه، ابوحنیفه را متمایل به این نظر

دانسته‌اند و بنابر ادعای صاحب جواهر از لحن صاحب «تحریر» نیز این گونه استفاده می‌گردد. لکن خود ایشان در رد این نظر می‌فرماید:^۳ «اختصاص داشتن سلاح به ابزارهای آهنی، آن گونه که در کتاب العین و مانند آن ذکر شده، صحیح نمی‌باشد... و شکی نیز در ضعف این نظر وجود ندارد.» (نجفی، ۱۳۶۷ ش، ج ۴۱، ص ۵۶۶)

۲. نظر دوم آن است که اطلاق سلاح بر سنگ و چوب و نظایر آن نیز صحیح می‌باشد. این نظر را به شهید ثانی در «روضه البهیه» و صاحب «ریاض المسایل» و برخی دیگر نسبت می‌دهند. دلیل آن نیز، عموم آیه شریفه «محاربه» و روایت وارده می‌باشد. فاضل هندی نیز در «کشف اللثام» آورده است:^۴ «در نزد امامیه، محارب کسی است که به تظاهر سلاح یا غیر سلاح از جنس سنگ و یا سایر موارد نظیر آن، که ذکر آن خواهد آمد، می‌پردازد.» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۴۳۰) صاحب ریاض نیز در تایید این نظر می‌فرماید:^۵ «محارب کسی است که به آشکار ساختن سلاح مانند شمشیر یا غیر شمشیر، سنگ و امثال آن می‌پردازد.» (طباطبایی، ریاض المسایل، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۴۹۵) بهوتی نیز در «کشاف القناع» حمل عصا و چوب را بر سلاح صحیح شمرده و در تعریف محارب می‌گوید:^۶ «مقصود از محارب کسانی هستند که بر روی مردم سلاح می‌کشند، ولو آنکه عصا یا سنگ باشد؛ زیرا این دو را نیز می‌توان از جمله اسلحه به شمار آورد.» (بهوتی، ۱۴۱۸ ق، ج ۶، ص ۱۹۰) لیکن صاحب جواهر در رد این نظر می‌فرماید:^۷ «در میان فقها، کسانی هستند که فرقی میان عصا و سنگ و مانند آن در صدق عنوان سلاح قائل نمی‌شوند و شاید دلیل این فقها نیز ظاهر آیه محاربه باشد، و گرنه در اینکه اطلاق لفظ سلاح، عصا را شامل شود علی‌الخصوص اینکه در مورد سنگ نیز جاری باشد، جای تردید وجود دارد.» (نجفی، ۱۳۶۷ ش، ج ۴۱، ص ۵۹۷) حضرت امام نیز با قبول

نظر صاحب جواهر، اخافه مردم با سنگ یا عصا را جهت صدق عنوان «محاربه» همراه با اشکال می‌دانند:^۸ «اگر محارب مردم را با عصا یا سنگ یا شلاق بترساند، اثبات حکم محاربه بر چنین شخصی محل تردید خواهد بود.» (امام خمینی، ۱۳۹۰ ق، ص ۴۹۲)

۳. نظر سوم آن است که منظور از سلاح، نه فقط سلاح‌های متعارف، بلکه استفاده از هرگونه روشی در برهم‌زدن امنیت اجتماعی است. در توجیه این نظر گفته شده که «اخلال در امنیت عمومی تنها از طریق کشیدن سلاح نیست، بلکه فتنه‌انگیزی و ایجاد تفرقه در میان مردم نیز از مصداق‌های آن محسوب می‌شود. بنابراین، هرچه که سبب از بین رفتن نظم اجتماعی و امنیت مردم شود، مشمول حکم آیه خواهد بود.» (موسوی اردبیلی، بی‌تا، ص ۷۸۷) آنچه مسلم است این است که قید «تجريد السلاح» در آیه شریفه «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله...» که مستند فقها در بحث «محاربه» قرار گرفته است، عیناً ذکر نشده و اهتمام به آن به دلیل روایات وارده در تفسیر این آیه است. علامه طباطبایی در توجیه این نظر می‌فرماید: «بر حسب طبع، وقتی محارب می‌تواند خوف عمومی و ناامنی را در جامعه پدید آورد که مردم را با اسلحه تهدید به قتل نماید. به همین جهت است که در سنت، یعنی روایاتی که در تفسیر این آیه وارد شده است، نیز «محاربه» و «افساد فی الارض» به چنین عملی یعنی شمشیر کشیدن و مثل آن تفسیر شده است.» (طباطبایی، ۱۳۶۳ ش، ج ۵، ص ۵۳۱) شهید ثانی نیز در شرح لمعه پس از تعریف محارب می‌فرماید:^۹ «شرط کشیدن سلاح جهت صدق عنوان محاربه تنها به دلیل تبعیت از روایاتی است که در آن به این نکته اشاره شده است، و آلا بهتر آن است که کشیدن سلاح برای تحقق محاربه شرط به شمار نیاید.» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۲۹۳) این کلام شهید بدین معناست که قید سلاح و اعتبار آن به

تبعیت از خبر است که در آن، این طور وارد شده و با قطع نظر از مجرد تبعیت، باید بگوییم که اجود و اولی این است که در تحقق «محاربه»، برهنه نمودن سلاح معتبر نیست و به عبارت دیگر: وجود سلاح هیچ نقشی ندارد. (ذهنی تهرانی، ۱۳۶۶ ش، ج ۲۸، ص ۲۰۵) علامه نیز در «قواعد الاحکام» بر این نظر است. (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۲۷۰) فاضل هندی نیز در این رابطه می‌آورد: ^{۱۰} «برای صدق عنوان محارب بر فرد، صرف افساد وی کافی به مقصود بوده و این که در روایات به سلاح اشاره شده، بدان دلیل است که در اغلب موارد، افساد فی الارض با سلاح همراه است و غالباً نیز سلاح به ابزاری از جنس آهن گفته می‌شود.» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۴۲۲)

فقهایی که از این نظر تبعیت می‌نمایند در تعریف خود از سلاح، از اصطلاح «کل ما یقاتل به» (هرچیزی که می‌توان به وسیله آن مرتکب قتل شد) و یا «الاخذ بالقوه» (هرچیزی که بتوان بوسیله آن قدرت‌نمایی نمود و از روی اجبار تفوق نظر یافت) استفاده کرده‌اند. صاحب جواهر در تأیید این نظر می‌فرماید: ^{۱۱} «حق این است که همان‌طور که اغلب فقها گفته‌اند مراد از سلاح آن چیزی است که به وسیله آن بتوان مرتکب قتل دیگری شد... در کتاب روضه البهیه نیز در صدق عنوان محاربه به زورگویی اکتفا شده است؛ هرچند محارب حتی از عصا یا سنگ نیز بهره نبرده باشد، البته این نظر خالی از وجه نبوده و قابل توجه و تأمل نیز می‌باشد.» (نجفی، ۱۳۶۷ ش، ج ۴۱، ص ۵۶۷)

بنابر آنچه که گذشت، اگر بتوانیم شرط «تجريد السلاح» را در تحقق «محاربه» به مواردی غیر از سلاح‌های متداول سرد و گرم سرایت داده و ضابطه کلی را چنانچه گذشت «کل ما یقاتل به» تصور نمائیم، «آنگاه شاید بتوان اعمالی از جمله شکستن سد و سرازیر کردن آب به سوی خانه‌های مردم، پاشیدن فلفل یا اسید به

روی آن‌ها و پخش کردن مواد آلوده و مسموم در هوا را از مصادیق «محرابه» دانست.» (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲ ش، ص ۴۷) البته به نظر می‌رسد، چنین تعبیری منصرف از ظاهر ماده ۱۸۳ ق.م.ا باشد. به زعم برخی از اساتید منظور از سلاح در این ماده، آن چیزی است که برای نزاع و جنگیدن به کار رود و در معنای آن نیز باید به عرف مراجعه نمود. عرف نیز سلاح را اعم از سرد و گرم می‌داند. طبق این نظر وسایلی همچون عصا، بیل، سنگ، داس، آتش‌زدن و ادویه‌جاتی مانند فلفل و اعمالی مثل اخذ بالقوه از شمول عنوان اسلحه و در نتیجه «محرابه» خارج می‌گردند. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲ ش، ص ۴۸)

۲.۲. تحلیل حقوقی

با عنایت به مطالب مطرح‌شده در تحقیقات فقهی، به نظر می‌رسد، آنچه که عنصر اصلی جرم «محرابه» به شمار می‌آید، «دست‌بردن به سلاح» نیست تا مجبور باشیم چنین تفسیر موسعی را از قید مزبور در ماده به دست دهیم، بلکه شرط اساسی تحقق «محرابه»، اقدام به اعمالی است که به قصد برهم‌زدن امنیت و مقابله با حکومت اسلامی صورت پذیرفته و یا آنکه در عمل چنین نتیجه‌ای را به دنبال داشته باشد. طبق این نظر، ماده ۱۸۳ ق.م.ا در مقام بیان مصادیقی از عنوان «محرابه» بوده و به عبارتی، مصداق بارز برهم‌زدن امنیت و مقابله با حکومت اسلامی به شمار می‌آید. بر این مبنا شاید بتوان نظر برخی از فقها، مبنی بر توسعه دایره مفهوم سلاح را توجیه نمود. با نگاهی به برخی دیگر از مواد قانون مجازات اسلامی و همچنین سایر قوانین تصویب‌شده پس از انقلاب اسلامی، می‌توان قوت این نظر را به وضوح دریافت. به عنوان مثال:

۱. طبق ماده ۴۹۸ ق.م.ا، تشکیل هر نوع دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی با هر مرامی، با هدف برهم زدن امنیت کشور، در معرض تحمل جرم «محاربه» می‌باشد. طبق ماده ۵۰۴ ق.م.ا، اگر کسی نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند، تحریک موثر به عصیان، فرار، تسلیم و یا عدم اجرای وظایف نظامی کند و چنین اعمالی را به قصد براندازی حکومت انجام دهد، محارب محسوب می‌شود. همچنین طبق ماده ۶۸۷ ق.م.ا، تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری در وسایل و تاسیسات مورد استفاده عموم از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و سایر موارد مذکور در ماده، اگر به قصد اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را به دنبال خواهد داشت.

۲. همچنین طبق ماده ۶ قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ ش.، اعمالی از قبیل «احتکار، گران‌فروشی، فروش مصنوعات یا فرآورده‌ها، گران‌تر از نرخ مصوب، دریافت اجرت یا دستمزد خدمات، زاید بر میزان مقرر، استفاده از مواد نامرغوب که در نتیجه، کیفیت کالا یا مصنوعات یا فرآورده‌ها یا ارزش خدمات را بدون تنزل قیمت پایین می‌آورد، معامله صوری به نرخ مقرر و به کاربردن تمهیداتی که عملاً موجب دریافت وجه بیشتر از نرخ مقرر بشود، عرضه نان معمولی با پخت نامرغوب، تحویل کالا کمتر از وزن یا مقدار به مشتری، انتقال غیر مجاز کالاهایی که از طرف دولت به یک شهر یا منطقه یا جمعیت معینی اختصاص یافته است به شهر یا منطقه دیگر و یا فروش آن به اشخاص دیگر، خودداری فرد صنفی از عرضه و فروش کالا یا مصنوعات یا فرآورده‌ها یا خدمات بر خلاف مقررات صنفی، امتناع فرد صنفی از دادن فاکتور

به قیمت رسمی و یا صدور فاکتور خلاف واقع و...»، اگر به عنوان مقابله با حکومت اسلامی صورت بگیرد، مرتکبین به مجازات محارب محکوم خواهند شد.

۳. طبق ماده ۷۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ ش.، نیز اعمالی همچون ایراد رعب و وحشت برای رای دهندگان یا اعضاء شعب ثبت نام و یا اخذ رای، در معرض تحمل مجازات محارب قرار گرفته است.

۴. قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزهای کشور مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ ش.، در ماده ۱ خود مقرر داشته است که: «هرکس دیگری را به طور غیر مجاز از مرز عبور دهد و یا موجبات عبور غیر مجاز دیگران را تسهیل یا فراهم نماید و چنین امری مخل امنیت باشد، می‌توان چنین شخصی را از باب محارب و مفسد فی الارض مجازات نمود.»

۵. طبق قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، اگر هر نظامی اقدام به ارتکاب اعمالی همچون «تشکیل یا اداره جمعیت، تلاش جهت جداکردن قلمرو حاکمیت ایران یا لطمه واردکردن به تمامیت ارضی و استقلال کشور، اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی، تسلیم اطلاعات و اسرار سیاسی، نظامی و امنیتی به دشمن، انعقاد قرارداد تسلیم با دشمن، خودداری از انجام وظایف نظامی، عدم توقف جنگ پس از دریافت دستور توقف، ترک بدون مجوز محل نگهداری، خواب در هنگام نگهداری، خودزنی به قصد فرار از انجام وظیفه، فرار در زمان جنگ، فرار با ادوات نظامی، فرار با توطئه، ارائه گزارش خلاف واقع، فروش وحیف و میل اموال نظامی، سرقت از اموال یا دفاتر یا اوراق نیروهای مسلح، تخریب یا تحریک اموال نیروهای مسلح و...» نماید و مقصود وی از ارتکاب چنین اعمالی، «براندازی نظام یا حکومت، برهم زدن امنیت کشور، شکست نیروهای خودی در برابر دشمن» باشد و یا آنکه کار او عملاً موجب «شکست جبهه اسلام،

تسلط دشمن بر اراضی، اخلال در نظام، اخلال در امنیت داخلی یا خارجی، تضعیف نیروهای نظامی، وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی یا وارد شدن ضربه موثر به نیروهای مسلح یا لطمه جبران‌ناپذیر به آن» گردد، چنین شخصی به مجازات محارب محکوم خواهد شد.

چنانچه مشاهده می‌شود در هیچ یک از موارد مذکور سخنی از به دست گرفتن سلاح در تحقق جرم «محاربه» مطرح نبوده و توجه اصلی بر ارتکاب اعمالی است که به قصد برهم‌زدن امنیت و مقابله با حکومت اسلامی انجام پذیرفته و یا آنکه در عمل موجبات تضعیف حکومت را به دنبال داشته باشد. در لسان فقها، از چنین قصدی تحت عنوان «سعی در ایجاد فساد» یاد می‌شود و بر همین اساس، طبق نظر فقهای که ذکر برهنه‌نمودن سلاح را برای تحقق جرم «محاربه» از باب مثال و نمونه می‌دانند، ملاک اصلی برای مجازات‌های مذکور در آیه «محاربه»، سعی در ایجاد فساد در جامعه محسوب می‌شود و طبعاً فساد نیز از لحاظ میزان تاثیر سویی که بر جامعه می‌گذارد، دارای درجات متفاوتی خواهد بود که عنوان «ویسعون فی الارض فسادا» شامل همه آنها خواهد شد. بر این اساس گروهی که بمب حاوی گاز سمی را در متروی توکیو می‌گذارند که بر اثر آن جمعی کشته و جمعی بیمار و مجروح می‌شوند و یا گروهی که باندهای تولید و توزیع هروئین و مرفین تشکیل می‌دهند، از مصادیق بارز محاربین و مفسدین فی الارض هستند و همچنین کسانی که کالاهای فاسدکننده نسل جوان را به منظور ثروت اندوزی به طور قاچاق در جامعه پخش می‌کنند و ضربه‌های سنگینی به جامعه انسانی وارد می‌سازند، نه عنوان قطاع الطريق دارند و نه با کشیدن اسلحه از مردم سلب امنیت می‌کنند، ولی فساد و زیانی که از ناحیه آنها بر جامعه وارد می‌شود، خیلی بیشتر از فساد و زیانی است که از حمله سارقین مسلح وارد می‌آید. آیا این موارد و

موارد مشابه آنها که در آیه «محرابه» نیامده‌اند، محکوم به حکم مذکور در آیه «محرابه» نیست؟ آیا نباید گفت آیه شریفه شامل این موارد نیز هست؟ لفظ آیه اطلاق دارد و عبارت «و یسعون فی الارض فسادا» هرگونه سعی در ایجاد فساد در جامعه را شامل می‌شود و ذکر یک مصداق از مصادیق فساد در روایات موجب نمی‌شود که حکم مذکور در آیه اختصاص به همان مصداق پیدا کند؛ چنانچه ذکر چند مورد از موارد احتکار از قبیل گندم و جو و خرما و کشکش و روغن زیتون در روایات موجب نمی‌شود که بگوییم فقط احتکار همین چند کالا حرام و احتکار صدها گونه از کالاهای مورد نیاز جامعه جایز است. بنابراین بدون تردید، آیه «محرابه»، همه انواع جرائم اجتماعی را که عنوان فساد در جامعه بر آنها صادق است، شامل می‌شود؛ چه جرایمی که اکنون ما می‌شناسیم و چه جرایمی که احتمالاً در آینده با تکنیک‌های جدید ابداع خواهند شد. (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۷۶ ش، ش ۹، ص ۵۹)

نتیجه

در مجموع و با عنایت به مباحث مطرح شده و با توجه به مواد قانونی مذکور، به نظر می‌رسد که می‌توان حکم مسأله را در موضوع بحث ما نیز (انتشار و شیوع عامدانه ویروس ایدز) جاری دانست. آنجا که فرد یا گروهی جهت برهم زدن امنیت عمومی و اخلال در نظم اجتماعی و نهایتاً تضعیف حکومت اسلامی، اقدام به توزیع و ترویج وسایل آرایشی، مشتقات خونی، و یا سرنگ‌های آلوده به ایدز در سطح جامعه می‌نمایند و بدین طریق آرامش عمومی را برهم زده و فضای خوف و وحشت را در جامعه سایه می‌افکنند، مجازات چنین اشخاصی از باب محارب و مفسد فی الارض صحیح به نظر می‌رسد.

پی‌نوشت‌ها

۱. و هی تجرید السلاح برا او بحرا، لایلا او نهارا، لایخافه الناس فی مصر وغیره من ذکر او انثی، قوی او ضعیف.
۲. المحارب، اسم فاعل و هو من جرد سلاح لایخافه الناس ظلما و عدوانا من سیف او سهم او رمح او غیرهما مما یشتمل علی الحديد... .
۳. أن اختصاص السلاح بالحديد كما فی العين ونحوه ممنوع ... و لاریب فی ضعفه.
۴. المحارب عندنا کل من اظهر سلاح او غیره من حجر ونحوه كما سیاتی... .
۵. المحارب و هو کل مجرد سلاحا کالسيف او غیره کالحجر ونحوه.
۶. الذین یعرضون للناس بسلاح ولو بعضا وحجاره لان ذلك من جمله السلاح.
۷. بل صرح غیر واحد انه لا فرق فی السلاح بین العصا والحجر وغیرهما، ولعله لظاهر الآیه وإلا ففی تناول السلاح لهما مطلقا خصوصا الاخير نظر أو منع.
۸. ولو اخاف الناس بالسوط والعصا والحجر ففی ثبوت الحكم اشکال.
۹. و اخذ «تجرید السلاح» تبع فیه الخبر والا الاجود عدم اعتباره.
۱۰. و صدق المحارب علیه مع التقييد فی الآیه بالسعی فی الفساد ولا یشترط السلاح... واطلاق السلاح فی الاخبار والفتاوی مبنی علی الغالب علی اختصاص السلاح بالحديد ممنوع.
۱۱. الحق ما صرح به الاكثر من أنه کل ما یقاتل به ... و فی الروضة الاكتفاء فی المحاربة بالاختذ بالقوة و إن لم یکن عصا أو حجر وهو لا یخلو من وجه... .

فهرست منابع

قرآن کریم

- بهوتی - (۱۴۱۸ ق.)، کشف القناع، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- خمینی، روح‌اله الموسوی - (۱۳۹۰ ق.)، تحریر الوسیله، النجف الاشرف، مطبعه الآداب.
- ذهنی تهرانی، سیدمحمدجواد - (۱۳۶۶ ش.)، المباحث الفقهیة، قم، انتشارات وجدانی.
- شهید اول - (۱۴۱۱ ق.)، اللمعه الدمشقیة، قم، دارالفکر.
- شهید ثانی، زین‌الدین ابن علی - (۱۴۱۰ ق.)، روضه البهیة، قم، انتشارات داوری.
- صالحی نجف آبادی، نعمت‌اله - (۱۳۷۶ ش.)، تفسیر آیه محاربه و احکام فقهی آن، نامه مفید، شماره نهم.
- طباطبایی، سیدعلی - (۱۴۱۹ ق.)، ریاض المسایل، قم، موسسه نشر اسلامی.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین - (۱۳۵۸ ش.)، *المیزان*، قم.
- علامه حلی - (۱۴۱۳ ق.)، *قواعد الاحکام*، قم.
- فاضل هندی - (۱۴۱۶ ق.)، *کشف الثام*، قم، موسسه نشر اسلامی.
- کاشف الغطاء، شیخ جعفر - (بی تا)، *کشف الغطاء*، اصفهان، انتشارات مهدوی.
- گودرزی، فاطمه - (۱۳۸۹ ش.)، *بیماری قرن، نشریه صف*، شماره ۲۳۷.
- گیدنز، آنتونی - (۱۳۷۸ ش.)، *مبانی جامعه‌شناسی (ترجمه منوچهر منصوری)*، تهران، نشر نی.
- منتظری، حسین‌علی - (۱۳۷۷ ش.)، *توضیح المسائل*، نشر تفکر.
- موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم، (بی تا)، *فقه الحدود و التعزیرات*، قم.
- میرمحمد صادقی، حسین - (۱۳۸۲ ش.)، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، نشر میزان.
- نجفی، محمدحسن - (۱۳۶۷ ش.)، *جوهر الکلام*، دار الکتب الاسلامیه.

www.advert.org

یادداشت شناسه‌ی مؤلف

سیدرضا احسانپور: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه شهید بهشتی

نشانی الکترونیکی: ehsanpour@gmail.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱۵